مقاله پژوهشی
(Original paper)

بررسی میزان هوش معنوی و عوامل مرتبط با آن در زنان شهر سنندج در سال ۱۳۹۶

شهرزاد رشیدی[۱]، احمد وهابی[۲*]، مهناز صیادی[۳]، مهین احمدیان[۳]، سیروان صیاد[۳]، شیلان لطیفی[٤]، هاجر کاشفی[٥]، سمیه رحمانی[٤]، فریبا طیری[٦]

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۲- استادیار گروه علوم آزمایشگاهی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۳- دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

۴- مرکز بهداشت شهرستان سنندج، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۵- کارشناس‌ارشد آمار زیستی، معاونت تحقیقات و فناوری، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

۶- مرکز مشاوره دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، سنندج، ایران.

نویسنده مسئول: تلفن ثابت: ۳۳۶۶۴۶۵۶-۰۸۷ پست الکترونیک: vahabiahmad@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: اصطلاح هوش به مجموعه‌ای از توانایی‌های فرد اطلاق می‌شود که برای حل مسأله و ایجاد محصولات جدیدی که در یک فرهنگ، دارای ارزش و اهمیت هستند، کاربرد دارد. این مطالعه با هدف تعیین میزان هوش معنوی و عوامل مرتبط با آن در زنان شهر سنندج در سال ۱۳۹۶ اجرا شد.

مواد و روش‌کار: این مطالعه از نوع کاربردی است که به روش مقطعی انجام شد. جامعه مورد بررسی زنان شهر سنندج بودند که از بین آنها ۴۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه هوش معنوی بدیع و همکاران بود. داده‌های جمع‌آوری شده با نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای توصیف متغیرهای کیفی از فراوانی و درصد، و برای متغیرهای کمی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، با توجه به کیفی بودن متغیر وابسته، از آزمون کای اسکوئیر استفاده شد.

یافته‌ها: زنان متأهل از سطح هوش معنوی بالاتری برخوردار بودند و بین هوش معنوی و وضعیت تأهل، تفاوت آماری معنی‌دار وجود داشت ($p=۰/۰۰۱$). بین هوش معنوی زنان شاغل و خانه‌دار، تفاوت آماری معنی‌داری مشاهده نشد ($p>۰/۰۵$). بین زنان بومی و غیر بومی نیز از نظر سطح هوش معنوی تفاوت معنی-داری وجود نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری: آموزش مهارت‌های هوش معنوی می‌تواند بر بسیاری از جوانب زندگی انسان تأثیرگذار باشد و سبب افزایش معنویات در انسان شود.

واژه‌های کلیدی: هوش معنوی، زنان، ایران

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-19]

مقدمه

اصطلاح هوش به مجموعه‌ای از توانایی‌های فرد اطلاق می‌شود که برای حل مسأله و ایجاد محصولات جدیدی که در یک فرهنگ، دارای ارزش و اهمیت هستند، به کار می‌رود. از دیرباز انسان به این مفهوم و ابعاد، تظاهرات، ویژگی‌ها، و انواع آن اهمیت داده است (۱). مفهوم تحلیلی غرب از هوش بیشتر شاختی و شامل پردازش اطلاعات است؛ در حالی که رویکرد ترکیبی شرق نسبت به آن، مؤلفه‌های گوناگون عملکرد، تجربه انسان از شناخت، شهود، و هیجان در یک ارتباط کامل و یکپارچه است (۲). در اواخر قرن بیستم، شواهد عصب شناسی، انسان‌شناسی، روان-شناسی، و علوم شناختی نشان داد که علاوه بر بهره هوشی و هوش هیجانی، هوش دیگری نیز وجود دارد که فقط برای انسان مطرح است که آن را هوش معنوی نام‌گذاری کرده‌اند (۱). هوش معنوی شامل اعتقاد، باورها، هنجارها، عقاید، و ارزش‌ها در فعالیت‌هایی است که افراد برعهده می‌گیرند (۳،۴).

آمرام (Amram) اعتقاد دارد که در زمینه شناخت و تبیین ویژگی‌های هوش معنوی تحقیقات منسجم و نظام‌مندی انجام نشده است (۵). او معتقد است که هوش معنوی شامل حس بامعنا بودن، داشتن یک ماموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، دستیابی به مهارت‌های فردی و اجتماعی در زندگی، درک متعادل از ارزش‌ها، باور، و اعتقاد به دنیای بهتر است (۶). چنین به نظر می‌رسد که ماهیت مؤلفه‌ها و نحوه ابراز هوش معنوی تحت تأثیر عوامل فرهنگی است و تفاوت در ویژگی‌های شخصیتی افراد باعث تفاوت در میزان علایق معنوی، زمینه‌ها، اعمال معنوی، مهارت‌ها، و ظرفیت‌های وابسته به هوش معنوی خواهد شد. اگر چه هوش معنوی به عنوان یک ویژگی آشکار جهانی دیده می‌شود؛ اما معنا و نحوه ابراز آن در بین گروه‌های مختلف متفاوت است (۷). سهرابی بیان کرد که به خاطر اینکه هوش معنوی تحت تأثیر عوامل فرهنگی و نظام‌های ارزشی مختلفی است، تحقیق و پژوهش در این خصوص و در بین فرهنگ‌ها و ملیت‌های مختلف دارای ارزش فراوانی است و در این مسیر می‌توان گام-های علمی بلندتری را برداشت (۸).

ویگلزورث (Wigglesworth) رابطه بین هوش معنوی و توانایی رهبری کردن و مدیریت افراد را مورد بررسی قرار داد. نتایج بیان‌کننده این بود که افراد دارای هوش معنوی بالا، در مواقع بحرانی قادر به کنترل وضعیت به صورت بهتری هستند (۹). بر اساس مطالعه واکون (Vachon) و همکاران در سال ۲۰۰۸، بیماران مبتلا به سرطان، اغلب باورهای معنوی خود را به عنوان راهی برای بدست آوردن معنا در دوران بیماری و بهبود از بیماری به کار می‌برند و همچنین از آن به عنوان راهی برای مقابله و کنار آمدن با مفهوم مرگ استفاده می‌کنند (۱۰).

مطالعه کاهنی و همکاران نشان داد که در اکثر ابعاد هوش معنوی نمره نمونه‌های مورد بررسی در حد خوب و مطلوب بوده است (۱۱). حسن‌زاده و همکاران نیز بیان کردند که هوش معنوی و مثبت‌اندیشی رابطه مثبت و معنادار با هم دارند، به‌طوری‌که هر اندازه نمره هوش معنوی فردی بالاتر باشد بر میزان مثبت‌اندیشی او اثرگذار خواهد بود (۱۲). عبدالله‌زاده و همکاران در بررسی بیماران مبتلا به سرطان در استان خراسان جنوبی، به این نتیجه رسیدند که همبستگی مثبت و معناداری بین هوش معنوی و تاب‌آوری کلی (r=۰/۶۶، p=۰/۰۰۱) وجود داشته است (۱۰).

از آنجایی که هوش معنوی به عنوان عامل مهم برانگیزاننده درونی برای حفظ موازنه افراد مطرح است؛ نیاز همه افراد جامعه و به‌ویژه زنان که به عنوان اساس و پایه خانواده مطرح هستند، به برخورداری از هوش

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-19]

معنوی بیشتر احساس می‌شود. بنابراین، مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان هوش معنوی و عوامل مرتبط با آن در زنان شهر سنندج در سال ۱۳۹۶ انجام شد.

مواد و روش کار

این مطالعه یک پژوهش مقطعی بود که در سال ۱۳۹۶ انجام شد. جامعه مورد بررسی زنان ۱۸ تا ۷۵ ساله شهر سنندج بودند. به منظور برآورد مناسبی از جامعه با در نظر گرفتن میزان p برابر با ۰/۵۰ و دقت ۰/۰۵ و مقدار z برابر با ۱/۹۶ از فرمول آماری زیر برای برآورد حجم نمونه استفاده شد:

$$\{ n=Z^2(pq)\}/d^2$$

تعداد افراد مورد نیاز در این مطالعه برابر با ۳۸۵ نفر برآورد شد. برای انجام این مطالعه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. با توجه به تقسیم-بندی منطقه‌ای، شهر سنندج به پنج منطقه شمال، جنوب، مرکز، شرق، و غرب تقسیم و در هر منطقه، هشت محله به صورت تصادفی انتخاب شد. در هر محله نیز ۱۰ خانوار به صورت تصادفی مورد بررسی قرار گرفتند. برای اینکه شاغلین و خانه‌دارها شانس مساوی انتخاب داشته باشند، جمع‌آوری داده‌ها در ساعات بعد از ظهر انجام شد. با توجه به اینکه تعدادی از نمونه‌های بررسی شده بی‌سواد بودند، جمع‌آوری داده‌ها و تکمیل پرسشنامه‌ها به روش مصاحبه درب منزل با نمونه‌های مورد بررسی انجام شد. ابتدا توضیحاتی در مورد اهمیت مطالعه ارائه شد. سپس، پرسشنامه‌ها به روش مصاحبه با نمونه‌های مورد بررسی تکمیل شدند. معیارهای ورود به مطالعه شامل زنان خانه‌دار و شاغل بالای ۱۸ سال بودند که در شهر سنندج ساکن بودند و تمایل به شرکت در مطالعه داشته و به همه سئوالات پرسشنامه پاسخ کامل دادند. معیارهای خروج از مطالعه زنان زیر ۱۸ سال و غیرساکن در شهر سنندج بودند که به همه سئوالات پرسشنامه جواب کامل نداده بودند.

پرسشنامه ۲۹ سئوالی هوش معنوی عبدالله‌زاده و همکاران ابزار جمع‌آوری داده‌های این پژوهش بود که در مطالعه هروی کریموی و همکاران پایایی آن ۰/۸۹ ذکر شده بود (۱). این پرسشنامه شامل دو گروه سئوال بود که در بخش اول، سوالات جمعیت‌شناختی افراد مورد مطالعه مبتنی بر سن، مدرک تحصیلی، تحصیلات والدین، بومی یا غیر بومی بودن، و وضعیت تأهل مطرح شده است. بخش دوم پرسشنامه شامل ۲۹ سئوال مربوط به سنجش هوش معنوی زنان مورد بررسی بود که با مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم با نمره یک تا کاملاً موافقم با نمره پنج مطرح شده است. این پرسشنامه مبتنی بر دو حیطه درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی است. کسب نمره کمتر از ۵۸ به منزله هوش معنوی ضعیف، نمره ۵۸ تا ۱۱۵ هوش معنوی متوسط، و نمره ۱۱۶ تا ۱۴۵ هوش معنوی بالاست.

پس از جمع‌آوری و وارد نمودن داده‌ها در نرم افزار SPSS نسخه ۲۰، برای توصیف متغیرهای کیفی از جداول و نمودارها (فراوانی و درصد) و برای متغیرهای کمی از شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، با توجه به کیفی بودن متغیر وابسته، برای بررسی ارتباط آن با متغیر مستقل کیفی از آزمون کای اسکوئیر استفاده شد. با توجه به اینکه توزیع داده‌ها نرمال نبود از آزمون‌های ناپارامتری یو-من ویتنی (Mann–Whitney U test) و کروسکال والیس (Kruskal-Wallis H test) به ترتیب برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل دوحالتی، سه حالتی، و متغیر وابسته استفاده شد. برای تمام آزمون‌ها سطح معناداری برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-19]

یافته‌ها

از ۴۰۰ پرسشنامه جمع‌آوری شده، ۳۸۸ پرسشنامه تکمیل شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. میزان پاسخگویی برابر با ۹۷ درصد بود. میانگین و انحراف معیار سن نمونه‌های مورد بررسی برابر با ۱۰/۰۵±۳۲/۵۸ سال بود. حداقل و حداکثر سن نمونه-های بررسی شده به ترتیب برابر با ۱۸ و ۷۵ سال بود. از بین زنان مورد بررسی، ۳۸/۷ درصد آنها شاغل و بقیه خانه‌دار بودند. از نظر میزان تحصیلات، ۳/۴ درصد بی-سواد، ۹/۲ درصد ابتدایی، ۱۲/۱ درصد راهنمایی، ۲۸/۱ درصد دبیرستانی، و بقیه آنها (۴۷/۲ درصد) دارای تحصیلات دانشگاهی بودند. ۲۶/۵ درصد آنها مجرد ازدواج نکرده، ۶۴/۹ درصد متأهل، ۳/۴ درصد همسر فوت شده، و ۵/۲ درصد متارکه نموده بودند. ۸۴/۸ درصد آنها بومی سنندج و بقیه غیربومی بودند. از نظر تحصیلات پدر،۲۸/۱ درصد بی‌سواد، ۲۷/۸ درصد ابتدایی، ۱۶ درصد راهنمایی، ۱۵/۵ درصد دبیرستانی، و ۱۲/۶ درصد دانشگاهی بودند. از نظر سواد مادر، ۴۲ درصد بی‌سواد، ۲۸/۹ درصد ابتدایی، ۱۱/۸ درصد راهنمایی، ۱۱/۱ درصد دبیرستانی، و ۶/۲ درصد دانشگاهی بودند. میزان درآمد ماهیانه خانواده ۳۲/۷ درصد آنها زیر ۷۰۰ هزار تومان، ۳۷/۹ درصد بین ۷۰۰ هزار تومان تا ۱/۵ میلیون تومان، و ۲۹/۴ درصد بقیه بالاتر از ۱/۵ میلیون تومان بود. میانگین و انحراف معیار امتیاز کسب شده در بعد درک و ارتباط با سرچشمه هستی بر اساس ۶۰ و ۱۰۰ امتیاز به ترتیب برابر با ۷/۳۲±۵۱/۰۲ و ۱۲/۲۰±۸۵/۰۳ و برای بعد زندگی معنوی با هسته درونی بر اساس ۸۵ و ۱۰۰ امتیاز به ترتیب برابر با ۹/۹۴±۶۶/۲۹ و ۱۱/۷۰±۷۷/۹۹ بود. امتیاز کلی بدست آمده برای ۲۹ سئوال پرسشنامه بر اساس ۱۴۵ و ۱۰۰ امتیاز به ترتیب برابر با ۱۶/۳۳±۱۱۷/۳۱ و ۱۱/۲۶±۸۰/۹۰ بود. سایر نتایج این پژوهش در جداول ۱ تا ۴ ارائه شده است.

جدول ۱: فراوانی هوش معنوی زنان مورد مطالعه و رابطه آن با متغیرهای دموگرافیک، سال ۱۳۹۶

گروه‌بندی		هوش معنوی						X^2	p-value
		ضعیف		متوسط		بالا			
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
شغل	شاغل	۱	۲۵	۶۶	۳۹/۸	۸۳	۳۸/۱	۰/۴۳۱	۰/۸۰۶
	خانه‌دار	۳	۷۵	۱۰۰	۶۰/۲	۱۳۵	۶۱/۹		
بومی بودن	بومی	۴	۱۰۰	۱۳۴	۸۰/۷	۱۹۱	۸۷/۶	۴/۱۹۶	۰/۱۲۳
	غیربومی	۰	۰	۳۲	۱۹/۳	۲۷	۱۲/۴		
میزان تحصیلات	بی‌سواد	۰	۰	۷	۴/۲	۶	۲/۸	۱۸/۳۹۲	۰/۰۱۸
	ابتدایی	۰	۰	۱۹	۱۱/۴	۱۷	۷/۸		
	راهنمایی	۰	۰	۲۴	۱۴/۵	۲۳	۱۰/۶		
	دبیرستان	۳	۷۵	۳۰	۱۸/۱	۷۶	۳۴/۹		
	دانشگاهی	۱	۲۵	۸۶	۵۱/۸	۹۶	۴۴		
تحصیلات پدر	بی‌سواد	۰	۰	۴۱	۲۴/۷	۶۸	۳۱/۲	۱۹/۶۷	۰/۰۱۲
	ابتدایی	۱	۲۵	۴۰	۲۴/۱	۶۷	۳۰/۷		
	راهنمایی	۲	۵۰	۲۵	۱۵/۱	۳۵	۱۶/۱		
	دبیرستان	۱	۲۵	۲۷	۱۶/۳	۳۲	۱۴/۷		
	دانشگاهی	۰	۰	۳۳	۱۹/۹	۱۶	۷/۳		

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-19]

	بی‌سواد	۱	۲۵	۵۹	۳۵/۵	۱۰۳	۴۷/۲		
تحصیلات مادر	ابتدایی	۱	۲۵	۴۹	۲۹/۵	۶۲	۲۸/۴	۱۴/۶۷	۰/۰۶۵
	راهنمایی	۰	۰	۲۳	۱۳/۹	۲۳	۱۰/۶		
	دبیرستان	۲	۵۰	۲۰	۱۲	۲۱	۹/۶		
	دانشگاهی	۰	۰	۱۵	۹	۹	۴/۱		
میزان درآمد	زیر ۷۰۰ هزار تومان	۲	۵۰	۵۹	۳۵/۵	۶۶	۳۰/۳		
ماهیانه خانواده	۷۰۰ هزار تا ۱/۵ میلیون تومان	۱	۲۵	۵۶	۳۳/۷	۹۰	۴۱/۳	۲/۹۵۵	۰/۵۶۵
(تومان)	بیش از ۱/۵ میلیون تومان	۱	۲۵	۵۱	۳۰/۷	۶۲	۲۸/۴		
وضعیت تأهل	مجرد ازدواج نکرده	۱	۲۵	۵۹	۳۵/۵	۴۳	۱۹/۷		
	متأهل	۲	۵۰	۸۸	۵۳	۱۶۲	۷۴/۳	۲۲/۲۲۳	۰/۰۰۱
	متارکه	۱	۲۵	۱۱	۶/۶	۸	۳/۷		
	فوت همسر	۰	۰	۸	۴/۸	۵	۲/۳		
سن (سال)	۱۸-۲۷	۲	۵۰	۷۳	۴۴	۶۴	۲۹/۴		
	۲۸-۳۷	۱	۲۵	۵۸	۳۴/۹	۸۶	۳۹/۴		
	۳۸-۴۷	۱	۲۵	۲۴	۱۴/۵	۵۰	۲۲/۹	۱۳/۴۸۱	۰/۰۶۹
	۴۸-۵۷	۰	۰	۶	۳/۶	۱۵	۶/۹		
	۵۸ و بالاتر	۰	۰	۵	۳	۳	۱/۴		

با توجه به نتایج حاصل از آزمون کای اسکوئیر می‌توان نتیجه گرفت که ارتباط معناداری بین سطح هوش معنوی و شغل زنان وجود ندارد.

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار نمره حیطه‌های هوش معنوی زنان مورد بررسی بر حسب شغل در سال ۱۳۹۶

حیطه‌ها	شاغل	خانه‌دار	Z	P
درک و ارتباط با سرچشمه هستی	۸۴/۶۰±۱۲/۴۲	۸۵/۳۰±۱۲/۰۸	-۰/۵۴	۰/۵۹
زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی	۷۸/۲۲±۱۱/۵۱	۷۷/۸۴±۱۱/۸۴	-۰/۲۶	۰/۷۹
هوش معنوی کلی	۸۰/۸۶±۱۱/۲۶	۸۰/۹۳±۱۱/۲۹	-۰/۰۱	۰/۹۹

این جدول نشان می‌دهد که زنان خانه‌دار در بعد درک و ارتباط با سرچشمه هستی و هوش معنوی کلی از نمره میانگین بالاتری برخوردار بودند؛ اما در بعد زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی، زنان شاغل از نمره میانگین بالاتری برخوردار هستند. در هیچکدام از موارد بالا، بین ابعاد هوش معنوی و شغل نمونه‌های مورد بررسی (شاغل یا خانه‌دار بودن)، تفاوت و رابطه آماری معناداری مشاهده نشد.

همچنین، تفاوت معنی‌داری بین درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی در سطوح مختلف تحصیلی وجود نداشت. اما؛ در وضعیت‌های مختلف تأهل تفاوت معنی‌داری از نظر درک و ارتباط با سرچشمه هستی و زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی وجود داشت. نتایج آزمون تعقیبی توکی (Tukey post-hoc test) نشان داد که افراد متأهل از نظر درک با بقیه دارای تفاوت معنادار هستند. از نظر زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی، بین افراد متأهل، مجرد، و افرادی که متارکه نموده‌اند، از نظر آماری نیز تفاوت بود.

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-19]

جدول ۳: مقایسه حیطه درک و ارتباط با سرچشمه هستی، و زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی در وضعیت‌های مختلف تأهل

متغیر	گروه‌بندی		مقدار پی آزمون توکی	p-value
درک و ارتباط با سرچشمه هستی	مجرد	متأهل	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
		متارکه	۰/۳۳۷	
		همسر فوت شده	۰/۷۳۰	
	متأهل	متارکه	۰/۰۰۱	
		همسر فوت شده	۰/۰۴۰	
	همسر فوت شده	متارکه	۰/۹۹۱	
زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی	مجرد	متأهل	۰/۰۲۶	۰/۰۰۱
		متارکه	۰/۱۱۹	
		همسر فوت شده	۰/۷۶۰	
	متأهل	متارکه	۰/۰۰۱	
		همسر فوت شده	۰/۱۳۱	
	همسر فوت شده	متارکه	۰/۸۹۱	

زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی در وضعیت‌های مختلف تأهل دارای تفاوت معنادار بود، به‌طوری‌که در بین زنان متأهل با افراد مجرد و زنانی که متارکه کرده‌اند، تفاوت وجود داشت. حیطه درک و ارتباط با سرچشمه هستی در بین زنان بومی و غیربومی متفاوت و در زنان بومی بیشتر از زنان غیربومی بود؛ ولی زندگی معنوی با اتکا به هسته درونی در بین زنان بومی و غیربومی تفاوتی نداشت. در بین سطوح مختلف تحصیلی پدر، از نظر حیطه درک و ارتباط با سرچشمه هستی تفاوت وجود داشت و براساس نتایج حاصل از آزمون تعقیبی توکی می‌توان گفت که تفاوت معناداری بین سطح تحصیلات دانشگاهی پایین‌تر از دیپلم وجود داشت (جدول ۴)

جدول ٦: مقایسه درک و ارتباط با سرچشمه هستی با سطح تحصیلات پدر

متغیر	گروه‌بندی		مقدار پی آزمون توکی	p-value
درک و ارتباط با سرچشمه هستی	بی‌سواد	ابتدایی	۰/۹۹۷	۰/۰۰۰۱
		راهنمایی	۰/۵۲۵	
		دبیرستان	۰/۳۱۹	
		دانشگاهی	۰/۰۰۱	
	ابتدایی	راهنمایی	۰/۷۱۷	
		دبیرستان	۰/۴۹۷	
		دانشگاهی	۰/۰۰۰۱	
	راهنمایی	دبیرستان	۰/۹۹۸	
		دانشگاهی	۰/۰۴۸	
	دبیرستان	دانشگاهی	۰/۱۰۸	

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه که به بررسی میزان هوش معنوی و عوامل مرتبط با آن در زنان خانه‌دار و شاغل شهر سنندج در سال ۱۳۹۶ پرداخت، نشان داد که میانگین نمره هوش معنوی زنان مورد بررسی بر اساس ۱۰۰ امتیاز برابر با ۱۱/۲۶±۸۰/۹۰ بود. میانگین امتیاز کسب

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-19]

شده در بعد درک و ارتباط با سرچشمه هستی بر اساس ۱۰۰ امتیاز برابر با۱۲/۲۰±۸۵/۰۳ و برای بعد زندگی معنوی با هسته درونی بر اساس۱۰۰ امتیاز برابر با۱۱/۷۰±۷۷/۹۹ بود. این نمرات بیانگر آن هستند که افراد مورد بررسی از هوش معنوی بالایی برخوردار بودند. هوش معنوی افراد مورد بررسی با متغیرهایی مثل سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، تحصیلات پدر، و بومی بودن رابطه دارد، و زنان دارای سن ۴۸ تا ۵۷ سال، افراد متأهل، افرادی که درآمد ماهیانه خانواده آنها بین ۷۰۰ هزار تومان تا ۱/۵ میلیون تومان بوده، افرادی که سطح تحصیلات پدر آنها در مقطع ابتدایی بود، آنهایی که تحصیلات در مقطع دبیرستان داشتند، و زنان بومی سنندج نسبت به سایر افراد مورد بررسی از نمره هوش معنوی بالاتری برخوردار بودند. در همین راستا، مطالعه قشقایی‌زاده و رئیسی نشان داد که زنان مورد بررسی در مطالعه آنها نیز از نمره هوش معنوی بالایی برخوردار بوده‌اند (۱۴، ۱۳). مطالعه ده‌شیری و همکاران (۱۵)، خزایی و همکاران (۱۶)، ویلگس ورث (Wigglesworth) نیز به نتایج مشابه دست یافتند (۱۷).

همچنین، یافته‌های این مطالعه نشان داد که بین تحصیلات پدر و نمره هوش معنوی زنان مورد بررسی، رابطه آماری معنادار وجود داشت؛ ولی این رابطه به صورت برعکس است. یعنی زنانی که والدین با تحصیلات کمتر داشتند نسبت به زنانی که سطح تحصیلات والدین آنها بالاتر بود، از نمره هوش معنوی بالاتری برخوردار بودند. این یافته جای تأمل بیشتر دارد و به نظر می‌رسد امروزه قشر تحصیل‌کرده وقت خود را بیشتر صرف مسائل مادی نموده و کمتر به معنویت توجه دارند؛ اما افراد با تحصیلات پایین‌تر به معنویات توجه بیشتر دارند. نتایج مطالعه رقیب و همکاران (۱۸) نیز نشان داد که بین سطح تحصیلات و هوش معنوی رابطه آماری معناداری وجود ندارد. این یافته بیانگر آن است که بین هوش معنوی زنان مورد بررسی و سطح تحصیلات، تفاوت آماری معنادار وجود نداشت، به طوری که زنان با تحصیلات دبیرستانی از سایر زنان هوش معنوی بالاتری دارند.

کاهنی و همکاران نیز مطالعه‌ای را با عنوان هوش معنوی و رابطه آن با برخی از ویژگی‌های جمعیت-شناختی و طبی در سالمندان مقیم منازل انجام دادند. این مطالعه توصیفی و تحلیلی در سال ۱۳۹۲ در بین ۲۰۰ نفر از زنان منازل شهر ساری انجام شد. یافته‌های مطالعه نشان داد که در اکثر ابعاد هوش معنوی نمره نمونه‌های مورد بررسی در حد خوب و مطلوب بوده است. بین متغیر سن و نمره هوش معنوی آنها، رابطه آماری معنادار (p=۰/۰۰۵) بوده است؛ به صورتی که افراد بالای ۷۰ سال نسبت به افراد کمتر از ۷۰ سال نمره هوش معنوی بالاتری را کسب کرده بودند. از این رو، تفاوت آماری معناداری بین هوش معنوی مردان و زنان وجود نداشت. سالمندانی که با خانواده خود زندگی می‌کردند نسبت به سالمندانی که تنها زندگی می‌کردند از هوش معنوی بالاتری برخوردار بودند (۱۱).

از طرف دیگر، حسن‌زاده و همکاران مطالعه‌ای را با عنوان رابطه هوش معنوی با مثبت‌اندیشی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بابل انجام دادند. این مطالعه توصیفی و تحلیلی در سال ۱۳۹۳ در بین ۳۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بابل با استفاده از پرسشنامه‌های مثبت اندیشی و هوش معنوی انجام شده بود. یافته‌های مطالعه بیانگر آن بود که هوش معنوی و مثبت‌اندیشی رابطه مثبت و معنادار با هم دارند و هر اندازه نمره هوش معنوی فردی بالاتر باشد، میزان مثبت‌اندیشی او نیز بیشتر خواهد بود. بین نمره کلی هوش معنوی و مثبت‌اندیشی رابطه آماری معنادار وجود نداشت؛ ولی بین ابعاد هوش معنوی و مثبت‌اندیشی رابطه آماری معنادار وجود داشت (p<۰/۰۰۱). با این

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-19]

حال، بین جنس و نمره هوش معنوی رابطه آماری معنادار (p>۰/۰۵) وجود نداشت (۱۲). در این خصوص، عبدالله‌زاده و همکاران مطالعه‌ای را با عنوان رابطه هوش معنوی و تاب‌آوری در بیماران مبتلا به سرطان استان خراسان جنوبی انجام دادند. آنها بیماران مبتلا به سرطان مراجعه‌کننده به یکی از کلینیک‌های سرطان بیرجند را به روش تصادفی ساده انتخاب کردند. یافته‌های مطالعه نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری بین هوش معنوی و تاب‌آوری (r=۰/۶۶، p=۰/۰۰۱) وجود دارد (۱۰).

به طور کلی، یافته‌های این مطالعه نشان داد که بین نمره هوش معنوی زنان شاغل و خانه‌دار تفاوت آماری معناداری وجود ندارد. به این مفهوم که زنان به طور کلی و عام از هوش معنوی بالاتری برخوردار هستند و این توان ارتباطی با تحصیلات و یا شغل آنها ندارد. این خود زنان هستند که فارغ از هر متغیر دیگری دارای روحیه و هوش معنوی قوی‌تری هستند. این قضیه شاید به خاطر طبع نرم و لطیف آنها باشد که معمولاً دل مهربان‌تری داشته و ارتباط خودشان را با خدای خالق هستی و معنویات ورای این جهان هستی، نزدیک و نزدیک‌تر می‌نمایند.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که زنان مورد مطالعه از هوش معنوی بالایی برخوردار بودند. همچنین، زنان با تحصیلات دانشگاهی نسبت به زنان با تحصیلات دبیرستانی و راهنمایی، از هوش معنوی پایین‌تری برخوردار بودند. این یافته کمی نگران کننده است و به نظر می‌رسد، به جای اینکه تحصیلات بالا روحیه افراد را بالا ببرد، سبب کاهش آن در بین نمونه‌های مورد بررسی شده است. بنابراین، آموزش‌های معنوی به ویژه برای تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی امری ضروری و لازم به نظر می‌رسد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله بر خود لازم می‌دانند از همه زنانی که در اجرای این پروژه با ما همکاری کردند و به سئوالات پرسشنامه به طور کامل پاسخ دادند، تشکر و قدردانی نمایند. از شورای پژوهشی کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی کردستان به دلیل همکاری در تصویب این طرح و تأمین هزینه این پژوهش در قالب طرح تحقیقاتی پرسنلی، تشکر می‌شود. این پژوهش توسط معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی کردستان با کد اخلاق IR.MUK.REC.1396/28 تصویب شده است.

References

1. Heravi-Karimooi M, Rejeh N, Sharif Nia H. The relationship between nursing students' spiritual intelligence and their general health in Tehran, 2012. Iranian Journal of Medical Education. 2014; 14(1): 1-14.
2. Nasel DD. Spiritual orientation in relation to spiritual intelligence: A consideration of traditional christianity and new age/individualistic spirituality [dissertation]. Australia: The University of South Australia; 2004.
3. Hamid N, keikhosravani M, Babamiri M, Dehghani M. The relationship between mental health and spiritual intelligence with resiliency in student of Kermanshah University of Medical Sciences. Jentashapir. 2012;3(2):331-8.
4. Yaghoobi A. The study of relation between spiritual intelligence and rate of happiness in Booali University students. Journal of Research in Educational Systems. 2010;4(9):85-95.
5. Amram JY. The contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business Leadership [dissertation]. California: Institute of Transpersonal Psychology; 2009.
6. Farhangi A, Fattehi M, Vasegh B, Nargesian A. Examine the relationships of spiritual intelligence, emotional intelligence and transformational leadership. Journal of Management Sciences of Iran. 2009;15:31-57.

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-19]

7. Hosseinpoor MH, Younesian A, Khosravi A, Sabbagh Y, Kolahdozan S. Relationship between general health with emotional intelligence and spiritual intelligence in students. Journal of Knowledge & Health. 2015;10(2):11-7.
8. Sohrabi F. Fundamention of spritual intellingence. Q J Ment Health. 2008;1(1):14-8.
9. Khadivi A, Adib Y, Farahangpour F. Relationship of spiritual intelligence and self-esteem with students' educational improvement. Woman & Study of Family. 2010;3(9):99-122.
10. Abdollahzadeh R, Moodi M, Allahyari A, Khanjani N. The relationship between spiritual intelligence and resiliency of patients suffering from cancer in South Khorasan state. Nursing of the Vulnerables. 2015;2(3):15-24.
11. Kaheni S, Heidar-Fard J, Nasiri E. Relationship between spiritual intelligence and medical-demographic characteristics in community-dwelling elderly. J Mazand Univ Med Sci. 2013; 23(101): 87-94.
12. Hassanzade R, Yadollapour MH, FazeliKebria M, YaminFeerouz M, GholiniyaAhengar H. The relationship between spiritual intelligence and positive thinking among students of Babol University of Medical Sciences (2012-2013). Religion and Health. 2014;2(1):42-8.
13. Gashghaeizadeh N, Hosseinpour M. Surveying the relationship of spiritual intelligence, emotional intelligence and self-efficacy with organizational citizenship behavior among Behbahan higher education institutes women employess. Woman & Study of Family. 2013;5(18):105-125.
14. Raisi M, Ahmari Tehran H, Heidari S, Jafarbegloo E, Abedini Z, Bathaie S A. Relationship between spiritual intelligence, happiness and academic achievement in students of Qom University of Medical Sciences. Iranian Journal of Medical Education. 2013;13(5):431-40.
15. Dehshiri GH, Sohrabi F, Jafari I, Najafi M. A survey of psychometric properties of spiritual well-being scale among university students. Quarterly Journal of Psychological Studies. 2008;4(3):129-144.
16. Khazaei H, Rezaei M, Ghadami MR, Tahmasebian M, Ghasemimobara A, Shiri E. The relationship between religious and anxiety in students kermanshah university of medical sciences. Journal of Kermanshah University of Medical Sciences. 2010;14(1):66-72.
17. Wigglesworth C, Change D. Spiritual intelligence and why it matters. Kosmos Journal, spring/summer, available at: www. kosmosjournal. org. 2004.
18. Raghib MS, Ahmadi J, Siadat A. Analysis of amount of spiritual intelligence among students at university of Isfahan and its relation to demographic traits. Studies in Education and Psychology.2009;8:39-56.

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-19]

Original paper

Evaluation of Spiritual Intelligence rate and related factors in women of Sanandaj city, 2017

Shahrzad Rashidi[1], Ahmad Vahabi[*2], Mahnaz Sayyadi[3], Mahin Ahmadian[3], Sirvan Sayyad[3], Shilan Latifi[4], Hajar Kashefi[5], Somayeh Rahmani[4], Fariba Tayyeri[6]

1-Student Research Committee, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.
2- Assistant Professor, Department of Medical Laboratory Sciences, Faculty of Paramedical, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.
3- Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran.
4- Sanandaj Health Center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.
5- Vice Chancellor for Research & Technology, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran
6- Counseling center, Kurdistan University of Medical Sciences, Sanandaj, Iran.
Corresponding author: Tel: 087-33664656 Email: vahabiahmad@gmail.com

Abstract

Background and Aim: The term "intelligence" refers to a set of person's abilities that are considered to be of value and importance in problem solving and creating new products in a culture. The aim of this study was to determine the level of spiritual intelligence and its related factors in women of Sanandaj, 2017.

Materials and Methods: This was a cross-sectional study. The population of the study consisted of women in Sanandaj, among whom 400 were selected using the cluster sampling method. The instrument used in this study was the questionnaire of spiritual intelligence made by Badie et al. The data collected analyzed by SPSS software version 20. Frequency and percentage were used to describe qualitative variables and central & dispersion indices for quantitative variables. The Chi-square test was used to analyze the qualitative dependent variable.

Results: Married women have a higher level of spiritual intelligence and there is a statistically significant difference between spiritual intelligence and marital status (p=0.001). There was no significant difference between spiritual intelligence in the employed and housewives (p> 0.05). There was no significant difference in the level of spiritual intelligence between indigenous and non-indigenous women.

Conclusion: Teaching spiritual intelligence skills can affect many aspects of human life and increase spirituality in human beings.

Keywords: Spiritual intelligence, Women, Iran

[Downloaded from zanko.muk.ac.ir on 2026-11-19]